

مقدمه‌ای برای رقابت در سرمایه‌گذاری



غلامرضا انصاری

عضو شورای

مرکزی حزب

اتحاد ملت

یادداشت

موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیای ایران شرایط بسیار ممتازی است. وجود منابع غنی معدنی، قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم و چهارراه ارتباطی جهان و برخورداری از نیروی کار کارآمد و ارزان شرایط بسیار مطلوبی را برای ایران به‌عنوان بستر سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم کرده است. چنین ویژگی‌هایی به معنای آن است که سیاست تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز با دنیای در حال پیشرفت می‌تواند بسترساز رقابت برای جلب و جذب سرمایه‌های راكد بین‌المللی با هدف توسعه اقتصادی و صنعتی کشور باشد.

چین به یمن تغییر راهبردی از صدور انقلاب به استراتژی تقویت داخلی توانسته دهه ۴۰د دهه رشد ممتد اقتصادی را پشت سر بگذارد و از کشور فقیر و گرسنه دهه ۷۰ به اژدهایی تبدیل شود که سهمش از اقتصاد جهانی به بیش از ۱۵ درصد می‌رسد و دومین بودجه دفاعی دنیا را دارد که از مجموعه بودجه دفاعی روسیه، انگلیس و فرانسه بیشتر است. در تمام این سال‌ها با قواعد دنیای امریکایی کج‌دار و مریز بازی کرده و هنوز هوشمندانه و فروتنانه منكر می‌شود که ابرقدرت شده یا در صدد است جای امریکا را بگیرد. چین عاقل، لاجرم ابرقدرت خواهد شد و اکنون نیز قدرت برتر اقتصاد جهان است.

ایین همه در حالی است که ما در ایران حتی نیم درصد اقتصاد یا یک درصد بودجه دفاعی دنیا را نداریم و به جای تمرکز بر تقویت خود دنبال تغییر قواعد بازی رفته‌ایم.

حال آنکه قواعدبازی جهانی، حاصل برآیند تازع قدرت‌هاست و تغییر قواعدبازی به نفع خود بودن کسب برتری اقتصادی وایجاد فضای باز رقابتی درعرصه سیاسی و اقتصادی ممکن نیست. با نگاه به ظرفیت بالای اقتصاد چین در حوزه حمل‌ونقل می‌توان از این توافقنامه همکاری فی المثل در قالب توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل از جمله به سرانجام رساندن ریدورهای شمال به جنوب و شرق به غرب بهره گرفت. ترانزیت کالا در بستر جغرافیای اقتصادی ایران با هوشمندی دست‌اندرکاران می‌تواند برای آینده اقتصادی کشور بسیار مفید باشد. همچنان که توسعه چاپهار در کناربندر مکران می‌تواند توسعه پویای اقتصادی را در سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان برای ایران مهیا کند.

براین اساس امیدوارم که با روی آوری به رأی و نظر مردم و تلاش در جهت تحقق یک انتخابات حداکثری و رقابتی در خرداد ۱۴۰۰ شرایطی وجود یابد که بتوانیم از تفاهمنامه ۲۵ ساله با چین نهایت استفاده را برای حل مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی کشور ببریم. البته نباید فراموش کنیم که چین اهداف اقتصادی خودش را هوشمندانه دنبال خواهد کرد. ما در دوه دهه گذشته قرارداد تأسیس نیروگاه اتمی اصفهان را با چینی‌ها داشتیم که با تحریم‌های امریکا از این قرارداد عقب کشیدند و در اکثر قرارداده‌ها و قطعنامه‌هایی که علیه ایران در سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده دفاع قابل قبولی از کشور ما مبذول نداشتند. بنابراین معتقدم چنانچه دولت ملی و مردمی و منبعث از انتخابات آزاد در کشور روی کار آمده و پشتوانه عظیم ملت را به‌دنبال داشته باشد و فضای کشور را برای ورود سرمایه‌های خارجی با توجه به منافع ملی ایجاد نماییم؛ قطعاً از ظرفیت چین در کنار بقیه ظرفیت‌های بین‌المللی که وجود داشته و خواهد داشت نهایت بهره و استفاده را خواهیم برد.

جای نگرانی نیست



غلامرضا مصباحی

مقدم

سخنگوی جامعه

روحانیت مبارز

توافقنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در کشورمان با ابراز نگرانی برخی افراد و گروه‌ها مواجه شده است، نگرانی‌ای که بعید می‌دانم اگر چنین توافقی میان جمهوری اسلامی ایران و یک کشور اروپایی منعقد می‌شد، مطرح بود. با این حال برای اطلاع جامعه باید گفت که توافقنامه‌های همکاری بلند مدت میان کشورها حکایت از اعتماد بلندمدت آنها به یکدیگر دارد و اینکه مواضع دو کشور تا حدود زیادی با هم هماهنگ است و می‌توانند با نگاه بلندمدت به منافع ملی خودشان با هم همکاری داشته باشند. در مورد توافقنامه با چین باید به این نکته توجه داشته باشیم که این توافق از طرف چین به ما تحمیل نشده بلکه ما پیشنهاددهنده به بوده‌ایم. این موضوع در سفر چند سال پیش رئیس جمهوری چین به ایران و در دیدار او با رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهوری کشورمان مطرح شد و مذاکره درباره آن و کار روی محتوای آن حدود ۵ سال طول کشید.

با وجود این، این تفاهمنامه هنوز تعهد و الزامی برای ایران و چین ایجاد نکرده است. این تنها یک چارچوب همکاری است که در قالب آن قراردادهایی در آینده منعقد خواهد شد و آن قرارداده‌ها مسلماً نیازمند رأی و نظر مجلس شورای اسلامی است و حتماً برای آگاهی عموم مردم اطلاع‌رسانی خواهد شد.

با این حال تا همین مرحله هم شاهد آن هستیم که امریکا از چنین توافقی ابراز نارضایتی می‌کند. زیرا کشوری که می‌خواسته با فشارهای تحریمی خودش ایران را وادار به بیاج کند می‌داند که توافقنامه ایران و چین می‌تواند فشار روی ایران را کاهش می‌دهد و اثر مثبتی بر اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران خواهد داشت.

از طرف دیگر بر خلاف بدعهدی‌هایی که ما از طرف‌های غربی دیده‌ایم تا کنون شاهد بدعهدی از سوی طرف چینی نبوده‌ایم. توافقنامه در چین در شرایطی منعقد شده است که ما تحت فشار این کشور با تحریم از سوی پکن نیستیم. بنابر این اینکه گفته شود این توافق از سوی چین تحمیل شده است یک حرف کاملاً نادرست است. کسانی که چنین حرف و حدیث‌هایی را مطرح می‌کنند اغلب افرادی هستند که نوعی وابستگی فکری به غرب دارند و به همین دلیل با راهبرد نگاه به شرق مخالفانند. حال آن‌که قرار نیست ما در قالب این توافقنامه به چین وابسته شویم. زیرا وابستگی به هر کشوری سم مهلك است چه این کشور چین باشد چه روسیه و چه هر کشور دیگری. آنچه ایران در همکاری بلند مدت با چین به عنوان کشوری در جایگاه دوم اقتصاد جهان جست‌وجو می‌کند دستبایی به فناوری‌های نو و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری و مزایای این کشور در جهت توسعه بیشتر است. هدفی که امیدواریم در آینده با انعقاد قراردادهای هوشمندانه در چارچوب این سند همکاری محقق شود.

تهران و پکن بر مدار رابطه راهبردی

آغاز ۱۴۰۰ با شرق دور

گروه سیاسی/ راهبرد نگاه به شرق و در ذیل

آن تأکید بر توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران با چین که دومین قدرت اقتصادی برتر جهان به شمار می‌رود، با تدوین یک نقشه راه همکاری ۲۵ساله میان دو کشور وارد فاز جدیدی شد. هفتم فروردین ماه سند همکاری جامع تهران و پکن در پی سفر وزیر خارجه چین به ایران به امضای محمد جواد ظریف و «وانگ یی» رسید. سندی تحت لوای یک برنامه سیاسی، راهبردی و اقتصادی که برای یک بازه زمانی بلندمدت ترسیم شده و هدف عملیاتی کردن یک نقشه راه را برای تعمیق مناسبات همه‌جانبه‌جست‌وجومی‌کند.

چین در رأس کشورهای حوزه آسیا طی سال‌های گذشته همواره یکی از حوزه‌های دارای اهمیت در سیاست خارجی ایران بوده است و هر چند در دولت‌های مختلف این اهمیت از سویه‌های متفاوتی سرچشمه گرفته است اما در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، آنچه اهمیت رابطه با این کشور را نزد دولتمردان مهم کرد، بیش از هر چیز توازن‌سازی در روابط میان غرب و شرق در بحبوحه تلاش برای حل موضوع هسته‌ای با غرب بود. چه تنها چند ماه پس از پایان یافتن مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافق که به‌عنوان قلب تلاش‌های دیپلماسی روحانی به نمدای از دوستی دوباره ایران و غرب تعبیر شد، تهران را مبین‌یانی «شی جین پینگ»، رئیس جمهوری چین و مهیاسازی تنظیم و تدوین یک سند همکاری راهبردی، عزم جدی خود برای شروع همکاری تازه با یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های شرق را به نمایش گذاشت. در خلال همین سفر و در تاریخ سوم بهمن ۱۳۹۴بود که ایران و چین با صدور بیانیهای سطح روابط را به مشارکت جامع راهبردی ارتقا دادند. این سند همکاری از رهاورد برگزاری جلسات متعدد کارشناسی ۵ سال به درازا کشید، نهایی شد که در نهایت در روز هفتم فروردین ۱۴۰۰ به طور رسمی به

توسعه روابط با چین اصالت دارد

هفتم فروردین همزمان با پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و چین، سند برنامه همکاری جامع دو کشور، موسوم به برنامه ۲۵ ساله امضاء شد.

در این سند که برخی به اشتباه از آن به‌عنوان قرارداد یاد کرده‌اند، طرفین صرفاً بر یک نقشه راه و افق روابط همه‌جانبه برای تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی آن توافق کرده‌اند که تحقق هر بخشی از آن می‌تواند هر دو کشور را منتفع کند.

برخلاف برخی از کشورها که تاریخ آنها پر از دخالت‌های ویرانگر در امور سایر کشورهاست و بیش از عمل اهل لفاظی هستند، چین و ایران تاریخی غنی و پر از مشترکات فرهنگی و گرایشی جاودان به صلح و توسعه دارند و عمدتاً تعاملاتی عملگرایانه داشته‌اند. در این میان البته فرهنگ هر دو کشور مملو از اشارت‌های پیدا و پنهان به‌عمل‌گرایی و پرهیز از شعار و لفاظی‌های بی‌خاصیت بوده است. هر دو کشور باور ی ژرف به این حکمت متعالی دارند که «بزرگی سراسره به گفتار نیست/دوصد گفته چون نیم کردار نیست» که مشابه این حکمت چینی است که می‌گوید: «شینگ شنگ یوین»

براستی چین با توسعه شگرف در ظرفیتهای متعدد مانند ساخت ایروارانه و شبکه و رمزنگاری کوانتومی، فناوری ۵G، هوش مصنوعی و ترکیب آن با لایکچین و امنیت سایبری، فناوری مالی، زیست‌فناوری و فناوری فضایی نشان داده است که بازیگری مسلح به دانش و فناوری بالای روز جهان و در عین حال کشنگری صلح جو، مصمم، اهل توسعه و بدون انگیزه‌های مداخله جوینانه در امور داخلی کشورها و تحمیل ایدئولوژی و فرهنگ خود است. بی شک حضور چین در خاورمیانه و به تبع آن حضور فعال در ایران می‌تواند نویدگر فصل نویینی از همکاری‌های متوازن ایران در توسعه‌های علمی، اقتصادی، صنعتی، تجاری و فناوری بالا باشد. چنین همکاری نه در تعارض با همکاری با سایر کشورها بلکه مکمل آن است هرچند نظر به مزیت‌های واقعی چین و علاقه و توان چین به صداقت عملی انتظار می‌رود که ایران در تحقق شعار امسال بیشترین بهره را از این همکاری‌برد.

در این خصوص تأملاتی قابل طرح و تدقیق است:

بدون تردید توسعه روابط با چین، به‌عنوان کشوری که در حال تبدیل شدن به قدرتمندترین کشور جهان از نظر اقتصادی و نظامی است، نه تنها برای ایران، بلکه برای هر کشوری در جهان که پیشرفت و ایفای نقش در زنجیره ارزش جهانی را دنبال می‌کند یک ضرورت است. توسعه روابط دو جانبه ایران و چین به‌عنوان دو کشور تمدن ساز یک نیازمندی دوسویه است. اگر چین و به تبع آن آسیا، آینده دنیا است، ایران به‌عنوان کشوری کلیدی و تاریخی در جاده ابریشم، راه میان بر این آینده است. ایران از ظرفیت‌های کم نظیر و بکر در حوزه انرژی و پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه توسعه پتروشیمی برخوردار است. موقعیت خاص ژئوگنومیک و ژئوپلیتیک دارد و از سرمایه عظیم نیروی انسانی جوان و نخبه بهره می‌برد که بشدت برای توسعه صنایع مبتنی بر فناوری‌های سطح بالا مورد نیاز است. از این‌رو ایران نیز به نوبه خود برای چین، کشوری ممتاز برای توسعه روابط بوده و هست و از این منظر هر دو کشور تا همین حالا نسبت به توسعه روابط

آغاز شد. رویکردی که در وضعیتی کم سابقه منتقدان داخلی دولت و مخالفان خارجی نظام نسبت به آن همسو شدند و دولت را به گرایش نامتعارف به حوزه شرق متهم کردند. طرح این ادعاها دلیلی است برای تأکید دوباره بر این موضوع کلیدی که ایران همواره در سال‌های گذشته در پی ارائه یک رویکرد واقع بینانه از توازن در روابط بین‌الملل بوده و کوشیده است بر این پندار، مهر پایان بزند که استقرار دیپلماسی ایران در ایستگاه غرب با تلاش برای حفظ برج‌ام به معنای نادیده گرفتن سایر کشورها از دور همکاری‌های تهران نیست و چنانچه ایران در مناسبات خود با سایر کشورهای ایران در دیدار وزیر خارجه مشارکت متوازن در معادلات بین‌الملل دست یابد، آماده امضای توافقی‌های مشابه با سایر کشورها هم هست.

از این‌رو علی‌ریعی، سخنگوی دولت تأکید کرده که این سند بلند مدت تنها مختص ایران برای چین نیست و اولین مورد سند بلند مدت همکاری برای ایران هم محسوب نمی‌شود. تأیید سخنان ریعی تمهید قرارداد در اولویت دولتمردان پکن قرار گیرد. وزیر خارجه ایران هم یادآور شده که تبادل نظر بسیار خوب وی با همتای چینی‌اش در زمینه گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و جهانی در چارچوب مشارکت استراتژیک جامع، با امضای نقشه راه استراتژیک ۲۵ ساله و تاریخی به اوج رسیده است. ظریف همچنین در صفحه اینستاگرامش تصریح کرده که این سند طبق قانون اساسی و به دلیل ایجاد نکردن هیچگونه تعهدی نیازمند تصویب مجلس نیست ولی نسخهای از آن برای رئیس مجلس ارسال شده است.

■ آمادگی برای توافقی‌های مشابه با سایر کشورها

با نهایی شدن این سند همکاری بحث و تولید محتوای انتقادی و اعتراضی پیرامون آن در صحنه سیاسی و بویژه شبکه‌های مجازی

تأخیر و غفلت داشته‌اند و از این منظر امضای این سند به‌عنوان یک گام لازم و ضروری باید به فال نیک گرفته شود.

نوع رابطه ایران و چین و ارتقای هر چه بیشتر آن، موضوعی است که فارغ از شرایط سیاسی، اقتصادی هر دو کشور و منطقه، دارای اصالت است و اهمیتی ذاتی دارد. این رابطه مبتنی بر نگاهی راهبردی و دراز مدت است که خبر نفع هر دو کشور در آن دیده شده و ناشی از ضرورت‌ها و اقتضائات آنی و مقطعی نیست. از این‌رو ایجاد هرگونه ارتباط میان امضای این سند با مسائل سیاست داخلی، قیاس خارجی، برج‌ام یا موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی یک اشتباه فاحش و زیانبار است.

امضای هرگونه سند همکاری‌های جامع میان ایران و سایر کشورهای دیگر جهان محتمل است به شرط آن که آمادگی لازم برای چنین کاری در میان آنها پدید آمده باشد. آنچه میان دو کشور رخ داد بیانگر عزم واراده و آمادگی ایران و چین در عالی‌ترین سطوح سیاسی است. سند برنامه همکاری جامع ایران و چین دارای جنبه‌های مختلفی است اما به دلایلی که روشن است، بعد اقتصادی آن از اهمیت بیشتری برخوردار است. دو طرف به این باور رسیده‌اند که ظرفیت‌های بالقوه برای همکاری‌ها بسیار فراتر از وضعیت کنونی است. در این سند تلاش شده است تا منافع هر دو طرف به‌خوبی لحاظ شود. از سوی طرف ایرانی تلاش بر این بوده است که از همه ظرفیت‌های بالقوه کشور برای ایفای نقش مکمل در زنجیره ارزش جهانی، حرکت به سمت تولیدات مشترک محصولات صنعتی در بالا به منظور تأمین بازارهای داخلی دو کشور و کشورهای ثالث و در نهایت بهره‌برداری از ظرفیت‌های ایران از جمله نیروی کار جوان و ماهر استفاده شود.

متأسفانه به دلایل بعضاً معلوم، ایران سالیان طلایی را ارزشی را برای به فعلیت رساندن ظرفیت ژئوپلیتیکی و ژئوگنومیکی خود، از دست داده است و آنگونه که باید در طرح «یک کمربند، یک راه» چین نتوانست نقشی ایفا کند. یکی از ویژگی‌های این سند تأکید بر ایفای نقش مؤثر ایران در این طرح است و امید است از فرصت باقی مانده برای تحقق بخشی از این ظرفیت بزرگ در قالب توسعه همکاری‌ها در حوزه‌های زیرساختی، ارتباطی (ریلی، جاده‌ای بندری و هوایی)، نهایت استفاده صورت گیرد. در این صورت ظرفیت‌های ترانزیتی ایران احیاء و شکوفا خواهد شد.

از آنجا که عمده همکاری‌ها و تعاملات تجاری و اقتصادی دو کشور مبتی بر روش سنتی و خارج از چارچوب‌های رسمی سیاسی دو کشور بوده است بعیداً اعتبار هر دو کشور در افکار عمومی یکدیگر لطمه وارد شده است. امضای این سند که چینی‌ها از آن بانوع درجه یک همکاری یاد کرده‌اند سبب می‌شود تا عمده این همکاری‌ها سامان یافته و بخش اعظمی از انتقاداتی که به نوع این مرادوات و تعاملات و تبادلات وجود داشته است مرتفع شود. همچنین فضا برای ورود همه ظرفیت‌های دیگر که تاکنون مجالی برای نقش آفرینی نداشتند، باز شده و فرایندهای مؤثر در همکاری‌های اقتصادی و تجاری تمامی بنگاه‌های اقتصادی، تجار و بخش خصوصی شکل می‌گیرد. تسهیل همکاری‌های مالی- بانکی، گمرکی، مقررات‌زدایی، اعطای تسهیلات منطق با قوانین در مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی، تقویت همکاری و تجارت غیرنفتی با تمرکز بر دو حوزه کشاورزی و دانش بنیان سبب می‌شود تا انحصار تعامل و همکاری شکسته شده و همه ظرفیت‌ها به میدان بیایند.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



به اینکه پکن در سال‌های اخیر یک شریک تجاری مهم برای ایران بوده است، اعلام کرده که «اکنون این توافق با چینی‌ها، چشم‌انداز سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران را که بسیار به آن نیاز داشت، ارائه می‌کند»، خبرگزاری «بلومبرگ» هم امضای سند راهبردی بین ایران و چین را چالشی برای دولت جدید امریکا دانسته و تأکید کرده که تعامل نزدیک‌تر تهران با پکن می‌تواند به تقویت اقتصاد این کشور در برابر تحریم‌های امریکا کمک کند. ناگفته نپداست محورهای اشاره شده از سوی رسانه‌های امریکایی بن مایه همان موضعی است که «جو بایدن»، رئیس جمهوری امریکا در واکنش به این توافق ابراز کرده و معترف شده که بیش از یک سال است که نگران امضای این توافق میان تهران و پکن بوده است.

■ بحث همکاری راهبردی از چه زمانی شروع شد

برخلاف برخی تصورات و فضا سازی‌ها مبنی بر اینکه همکاری راهبردی ایران و چین تحت فشار امریکا با صرفا واکنشی به

دور خیز ایران و چین برای تأمین متقابل منافع

و اثبات تأمین کند. در خلال مذاکراتی که میان مقام‌های پکن و تهران برای دستیابی به این سند همکاری صورت گرفت، این آمادگی از سوی ایران نشان داده شد که آماده عقد قرارداد‌های بلندمدت نفتی در ازای سرمایه‌گذاری و بلندمدت چین در ایران است. در واقع بسته مرکزی این سند بر اساس تأمین متقابل چنین منافعی بود که در نهایت مورد بحث و گفت‌وگوهای کارشناسی قرار گرفت و به امضای یک توافقنامه همکاری انجامید.

تجربه سال‌ها مذاکره و پیگیری مسائل بین‌المللی نشان داده که گفت‌وگو و مذاکره با کشور چین که اساساً هیچ متحد نزدیکی ندارد، کرد بسیار سختی است و به سرانجام رساندن موضوع یک توافقنامه راهبردی با این کشور فی نفسه یک اقدام بزرگ است. هرچند این اجرائی شدن مفاد آن، نیازمند پیگیری اقدامات مفصل تری از سوی دستگاه‌های اجرائی است اما پایه‌گذاری این سطح از رابطه می‌تواند مقدمه خوبی برای تأمین متقابل منافع باشد. نکته به تاریخ روابط خارجی در ایران هم نشان داده که امضای هر قراردادی با هر کشوری به معنای تقدیس آن کشور در روابط خارجی نبوده است. چنانکه ایران و امریکا چند دهه پیش از انقلاب اسلامی یک عهدنامه مودت به امضا رساندند که با گذر سال‌ها و حتی پس از وقوع انقلاب اسلامی مبنای استناد بسیاری از موضوعات اختلافی قرار گرفت و حتی در سال‌های اخیر و در بحبوحه اقدامات ضد ایرانی دولت دونالد ترامپ، مبنای رجوع ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه شد. بنابر این امضای چنین توافقنامه‌هایی می‌گیرد، با هر کشوری می‌تواند مقدمه خوبی برای پیگیری خواسته‌ها و اهداف کشور در سطح بین‌المللی باشد.

توسعه کشور در واکنش به چنین توافقی‌هایی نباید اعتماد سیستماتیک کشور را زیر سؤال برده مگر اینکه عکس آن ثابت شود و در مورد توافقنامه اخیر ایران و چین، عکس این مساله ثابت نشده و فقط پرسش‌ها و ابهاماتی مطرح است که با شفاف سازی و پاسخگویی مختصصان می‌تواند رفع ابهام شود.

عناوین مشخص حقوقی قرار گیرد به مجلس ارائه خواهد شد. چه حفظ محرمانگی این سند از منظر محافظت از چارچوب مناسبات ایران در مواجهه با هجمه فشارهای خارجی و نقش آفرینی امریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش برای بر هم زدن این همکاری‌های نزدیک، مورد نظر مقام‌های مسئول دو کشور قرار داشته است.

■ نگرانی واشنگتن

اراده تهران و پکن برای افزایش سطح روابط دو جانبه که می‌توان سند همکاری ۲۵ ساله را نقطه عزیمت آن توصیف کرد، در عصر رقابت تنگاتنگ و تقابلی امریکا و چین به نمایش گذاشته شده است. حالا در شرایطی که تحریم‌های حداکثری سال‌های اخیر واشنگتن علیه ایران نتوانسته کشورمان را به پذیرش خواسته‌های امریکا وادار کند، امضای سند راهبردی بین ایران و چین باعث تنش بر آب شدن نقشه‌های امریکابرای منزوی کردن تهران شده است. این تحلیلی است که نشریه امریکایی «وال استریت ژورنال» در اشاره به این سند آورده است و با اشاره



ابراهیم

رحیم‌پور

معاون سابق

وزارت خارجه

شاکله سند توافق همکاری میان ایران و چین در سفر مهم «شی جین پینگ»، رئیس جمهوری خلق چین به ایران در سال ۱۳۹۴ شکل گرفت. رئیس جمهوری چین پیش از این سفر به عربستان و مصر سفر کرده بود و سپس به ایران آمد. در خلال همین سفر بود که مقام‌های دو کشور به‌طور جدی درباره ارتقای سطح همکاری به گفت‌وگو نشستند و مقدمات شکل گیری یک توافقنامه راهبردی را فراهم کردند.

سطوح همکاری خارجی چین با دیگر کشورها شامل چهار سطح به ترتیب از سطح یک، دو، سه و چهار می‌شود و در حالی که مقام‌های این کشور در نظر داشتند سند همکاری با ایران را در سطح سه امضا کنند، در نتیجه چانه زنی و مذاکرات صورت گرفته از سوی مقام‌های ایرانی با ارتقای این سند و حتی در سال ۱۳۹۷ آقای لاریجانی که به صورت نانوخته مسئولیت این موضوع را عهده دار شده بود با همراهی آقای ظریف و زنگنه به‌عنوان دو مقام بلندپایه با رئیس جمهوری چین دیدار و در این رابطه گفت‌وگو کردند. این سند در نهایت بعد از طی روندهای قانونی و کارشناسی از سوی نهادهای مربوطه در فروردین ماه سال ۱۴۰۰ به امضای رسمی مقام‌های ایران و چین رسید. این توافقنامه یک چشم‌انداز بلند مدت و دورخیز مناسب را برای مناسبات همه‌جانبه جهت تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی روابط دو کشور در فروردین ماه سال ۱۴۰۰ به امضای مردم کشور و واکنش به چنین توافقی‌هایی نباید اعتماد سیستماتیک کشور را زیر سؤال برده مگر اینکه عکس آن ثابت شود و در مورد توافقنامه اخیر ایران و چین، عکس این مساله ثابت نشده و فقط پرسش‌ها و ابهاماتی مطرح است که با شفاف سازی و پاسخگویی مختصصان می‌تواند رفع ابهام شود.